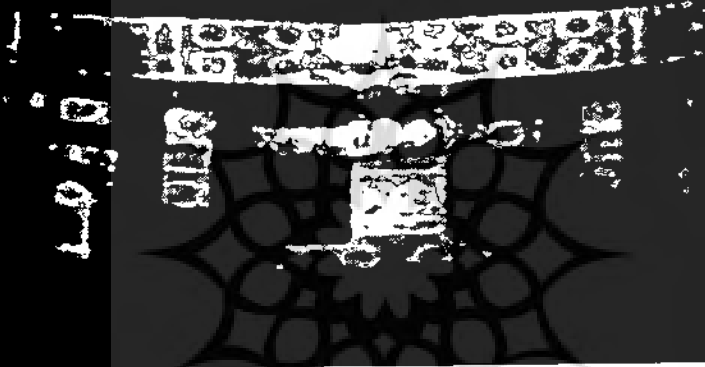
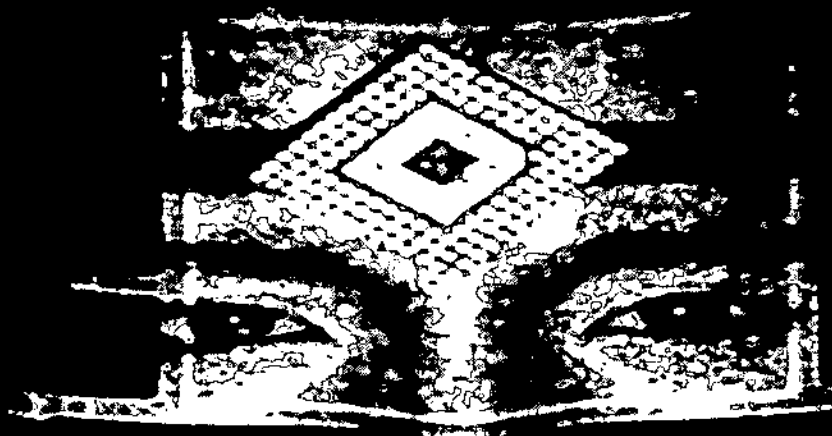


تنها يك معنى از معانى متفاوت



نگاهی به نقد جادوگرها تحت عنوان «وقتی خودمان را جادو می کنیم»

«نوشته سیدعلی کاشفی خوانساری»

فکر می‌کنم تمام عقلا با نظر منتقد محترم موافقت که کودکان نباید مورد آزمایش‌های نامطمئن قرار گیرند، اما تردید دارم، اجماعی مؤید این امر وجود داشته باشد که کتاب جادوگرها چنین آزمایشی باشد و معلوم نیست منتقد محترم بر اساس کدام شواهد و قرائن به چنین نتیجه شگفتی رسیده‌اند که این کتاب باعث ترساندن و برهم زدن امنیت روانی بچه‌ها شده و آنها را مورد آزمایش نامطمئن قرار داده است؛ مگر اینکه تعریفایشان از «امنیت روانی» چیز دیگری باشد.

همان‌طور که گفتیم این نقد، بر یک پیش فرض غلط استوار است و از این رو شاید لازم نباشد به پاسخ‌های منتقد به توجیحات محتمل بپردازیم، ولی نگاهی به یکی دو مورد از این توجیحات و پاسخ‌چندان بی‌فایده نیست.

منتقد در پاسخ به توجیه اول که به قول خودشان همان تئوری قدیمی تخلیه هیجان و پالایش است، بانقل جمله‌ای از دایره المعارف فلسفه «پل ادواردز» نتیجه می‌گیرد که این تئوری نمی‌تواند، منتج از جمله معروف ارسطو باشد که گفته بود، «کشتار در تراژدی، به پالایش می‌انجامد».

به فرض که این سخن صحیح باشد و چنین معنایی از سخن ارسطو منتج نشود، منتقد محترم چگونه نتیجه گرفته‌اند که این تئوری امروزه منسوخ است؟ مگر نه این‌که امروزه نیز

در این امور، اصل دیدگاه سنتی است؟ حال به فرض اینکه فقط همین یک دیدگاه وجود داشته باشد یا دیدگاه مورد قبول اکثر عقلای جامعه در این مورد، همان دیدگاه سنتی باشد، باز هم این گزاره با یک مشکل جدی روبروست. منتقدین ترساندن بچه‌ها و برهم زدن امنیت ذهنی یا به تعبیر درست‌تر امنیت روانی تفکیک قائل نشده است، در حالی که این دو، دو مرحله جداگانه است. به عبارت دیگر هر ترساندنی منجر به برهم خوردن امنیت روانی کودکان و نوجوانان نمی‌شود و اتفاقاً دیدگاه به قول ایشان سنتی تعلیم و تربیت و دیدگاه‌های دیگر نیز، هیچ کلام با برهم خوردن امنیت روانی کودکان موافق نیستند.

بر هم زدن امنیت روانی کودکان یکی از مباحث عمده حقوق کودک است که جماعتی جدی می‌تواند داشته باشد. اگر این کتاب مسبب چنین چیزی بود، باید تا به حال به موردی از کودکانی که امنیت روانی‌شان با خواندن آن بر هم خورده بود مواجه می‌شدیم و چنین چیزی در جایی ثبت می‌شد.

تکیه بر پیش فرض‌های این چنینی که هیچ جایی به آزمون گذاشته نشده‌اند و فاقد پشتوانه تئوریک هستند، به شمار دادن و حتی توهین می‌انجامد و منتقد محترم باتکیه بر همین پیش فرض اثبات نشده، انتشار این کتاب را آزمایش نامطمئن کودکان می‌نامد.

در این نقد، چند گزاره اصلی محور بحث است که عبارتند از:

۱- دیدگاه سنتی در تعلیم و تربیت، ما را از ترساندن و بر هم زدن امنیت ذهنی بچه‌ها باز می‌دارد.

۲- دوستداران کودکان صلاح نمی‌دانند که کودکان مورد آزمایش‌های نامطمئن قرار گیرند.

۳- کتاب جادوگرها باعث ترساندن و بر هم زدن امنیت ذهنی بچه‌ها شده و دست اندرکاران تولید این کتاب، به نوعی بچه‌ها را در معرض آزمایش‌های نامطمئن قرار داده‌اند.

در سراسر مطلب تلاش شده است که این گزاره‌ها، تشریح، توجیه و تبیین شوند. در واقع منتقد محترم این سه گزاره اصلی را اثبات شده انگاشته و بقیه نقد را به پاسخ‌گویی توجیهاتی معطوف کرده است که احتمالاً از سوی جریان - به قول خودشان - نوگرایی فرهنگی، اعم از مترجم، ناشر و وزارت ارشاد نسبت به چاپ این کتاب ارائه می‌شود.

اول از این سه گزاره شروع می‌کنیم و بعد به پاسخ‌های آن توجیحات احتمالی مورد بحث می‌پردازیم.

در گزاره اول، وقتی صحبت از دیدگاه سنتی می‌شود، حتماً دیدگاه یا دیدگاه‌های دیگری هم وجود دارد در این صورت چرا فقط یک دیدگاه باید محور قرار بگیرد و چه کسی گفته است که

مدارس و درخواست کتاب ماه

نامه‌های متعددی از سوی معلمان، مربیان تربیتی و کتابداران مدارس به دست ما می‌رسد که خواستار اشتراک رایگان کتاب ماه کودک و نوجوان هستند. در اینکه یکی از اهداف اصلی چنین نشریه‌ای با حضور در مدارس تحقق می‌یابد تردیدی نیست، با این همه مشکلاتی در سر راه ما وجود دارد که آن را برابری غیرممکن می‌سازد. فراوانی مدارس کشور و متقاضیانی از این دست به حدی هستند که پاسخگویی به همه تقاضاهایشان از توان موسسه‌ای چون خانه کتاب (ناشر کتاب ماه کودک و نوجوان) خارج است.

امیدواریم وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و فرهنگ و ارشاد اسلامی با درک ضرورت بهره‌مندی مربیان و دانش‌آموزان از این نشریات زمینه استفاده از آن را فراهم آورند. به امید آن روز متن یکی از نامه‌های رسیده را درج می‌کنیم.

کتاب ماه کودک و نوجوان

بسمه تعالی

جناب آقای سید علی کاشفی

خوانساری:

دبیر محترم هیئت تحریریه نشریه

کتاب ماه:

با سلام:

مدرسه راهنمایی دخترانه رفاه در جهت رشد فرهنگ کتابخوانی در بین دانش‌آموزان علاقه‌مند به این مقوله خواهان اشتراک رایگان نشریه «کتاب ماه» می‌باشد لذا خواهشمند است ما را در این امر یاری فرمایید.

با تشکر

کتابخانه مدرسه راهنمایی رفاه - گرمی

۷۷/۸/۱۰

خیابان مجاهدین اسلام - چهارراه آسردار -
خايران مدرسه راهنمایی رفاه

باز هم جای تعجب دارد که منتقد محترم از این سخنان درست، چگونه به این نتایج می‌رسد. ایشان چگونه نتیجه می‌گیرد که این تصاویر پراکنده و منقطع همان تصاویر پراکنده و منقطعی است که ایشان برای اثبات ادعایش دوست دارد در ذهن مخاطبان نقش ببندد و چگونه این احتمال شگفت‌آور در ذهن منتقد محترم شکل می‌گیرد؟

وی در پایان نقد می‌نویسد «به طور خلاصه می‌توان گفت که هنوز توجیه قابل قبولی برای به‌وحشت انداختن کودکان وجود ندارد و چاپ چنین کتابهایی کمتر متداول بوده است. لذا باید ترجمه و نشر آن را در ایران یک اتفاق قلمداد کرد؛ اتفاقی که ظاهراً با ضوابط فعلی چاپ و نشر کتابهای کودک چندان سازگاری ندارد.»

در پاسخ به این ادعا که در واقع جمع‌بندی کامل نقیصت، باید گفت باز هم بحث مبتنی بر همان پیش‌فرض غلط است که این کتاب در بچه‌ها ایجاد وحشت می‌کند. منتقد محترم باید این نکته را در نقد خود ثابت می‌کرد. اگر این نکته ثابت شود، پذیرفتن بقیه حرف‌هایشان آسان‌تر می‌شود؛ ضمن اینکه صحبت از جادوگر و جادوگری و غول و جن در افسانه‌های ایرانی - چاپ شده و چاپ نشده - بسیار فراوان است و اگر با منطق منتقد محترم در آنها تامل کنیم، یقیناً نقل و چاپ آنها را باید ممنوع کرد تا باعث به‌وحشت انداختن کودکان معصوم نشود. مغایرت چاپ این کتاب با ضوابط چاپ و نشر نیز نیاز به اثبات همان پیش‌فرض اولیه دارد که بعید می‌دانم قابل اثبات باشد.

تاکید می‌کنم که کتاب جادوگرها یکی از بهترین کتابهایی است که در سالهای اخیر چاپ شده است. نباید درباره آن سکوت کرد، بلکه باید به نقد و تحلیل و بررسی آن پرداخت. از برکات انتشار این کتاب آن است که باب بحث‌های تازه‌تری را گشوده و موضوعات فراموش شده و در عین حال ضروری در ادبیات کودک را در معرض دید قرار داده است.

در پایان باید از دوستان خوبم در «کتاب ماه»، به‌خصوص از آقای «حجوانی» و آقای «کاشفی» تشکر کنم که در این نشریه بستری را فراهم کردند تا تضارب آرا به شکل درست آن شکل گیرد. این شکستگی و شادابی بی‌نظیر تبریک گفتن دارد.

علی اصغر سیدآبادی

چنین دیدگاهی به صورت علمی‌تر و تکامل یافته‌تر وجود دارد و این را باید در منابع روان‌شناسی جستجو کرد، نه در دایره المارقیهای فلسفه؟

در این مقاله به هیچ وجه سخن از پذیرفتن این یا آن دیدگاه نیست، بلکه سخن بر سر این است که در نوشتن نقد نباید برای اثبات ادعاهای خودمان دستاویزهایی این چنین پیدا کنیم و باید توجه داشته باشیم که سالهاست صدور احکام قطعی، به خصوص در علوم که پای انسان در میان است، به سر آمده است.

ایشان در پاسخ توجیه احتمالی دیگر که از دیادفیلم‌های خشن و ترسناک سبب مصونیت یافتن کودکان از وحشت شده است، نوشته‌اند: «در پاسخ به این نظر باید گفت آن چنان که از بزرگان علم زبان‌شناسی و هرمنوتیک شنیدیم، نمی‌توان تأثیر واحدی برای یک‌متن در نظر گرفت» و بعد افزودند: «امروزه هر متنی، چند معنایی قلمداد می‌شود و نمی‌توان برداشت قشری محدود را به نوع مخاطب تعمیم داد و در فرایند گفتگویی و اخوانی این متن، تأثیراتی چون بر هم خوردن امنیت ذهنی کودک، امحاء اعتماد او به همسایگان، معلمان، بستگان، ترس از بیگانگان، ترس از خلوت و سکوت و... محتمل دانسته می‌شود.»

با دقت در این جملات، این سؤال پیش می‌آید که چگونه می‌توان از بخش اول این جملات، بخش دوم ران نتیجه گرفت. اگر هر متنی معنایی متفاوتی به همراه دارد و منتقد محترم قائل به تاویل متن است، پس چگونه می‌تواند تنها معنایی را که تأثیرات مد نظر ایشان را به‌جای می‌گذارد - به فرض اثبات چنین تأثیراتی - بپذیرد و آن را محور قرار دهد؟ به نظر می‌رسد ایشان دقیقاً بر خلاف نقد خود، برداشت شخصی‌شان را از این متن - کتاب جادوگرها - که برداشتی بدون پشتوانه‌تئوریک و آزمون است، به تمام مخاطبان تعمیم داده‌اند.

منتقد در پاسخ به توجیه دیگری که خود آن را پایان‌خوش داستان خوانده است، می‌نویسد: «باید گفت که کودک با پیش‌فرض‌های ذهنی خود به سراغ اثر می‌آید و درک او از متن، چندان قابل پیش‌بینی و کلی نیست و تصاویر پراکنده و منقطعی از داستان، جفا از بی‌رنگ کلی آن در ناخودآگاه او نقش خواهد بست؛ مضافاً اینکه چندان دور از ذهن نیست اگر احتمال بدهیم برخی خوانندگان، خواندن کتاب را به دلیل وحشت ناتمام می‌گذارند.»